

درفخ در قسم

روح وارسته ای ز خون بنزار
ممانته پرست در فیایان ها
آرزوی بزرگ گممه های
هستجو می کند در انسانی ها

با خود آهسته می کند مکرار

خون حوزی نیست خون انسانی

منیت انسان کسی که نه خونخوار

قرن خونین و قلب پر کین

وزن کشته صفحه نگار!

با سنگ سرد باید کرد

لبیک آدم گس و کشته شد

گر شود عشق آدمی

دفعه ای عشق و درد باید کرد

قائلان آفرین دقیقه عمر

گشته آرا به قسم می بنده

سئون جانگداز جمجمه ها

روحان را خدای خواهد داد

و همین است درفخ در قسم

که به آتش جواب خواهد داد

× × ×

آدمت بری ز خونخوارهاست
منیت آدم کما که نه خونخوار
خون حوزی خون داسان است
منیت انسان کما که نه خونخوار

لندن - آگوست ۱۹۸۲

راه

دوزخ در قسم

نمونه

روح وارسته ای ز خون بررار
می آید پر سه در فیا بان ها
آرزوی بزرگ گمشده ای
جستجو می کند در انسان ها
با خود آینه می کند سکرار =
خون خوری، منت خوری انسانی
منت انسان که سه خونخوار
قرن خونین و قلب پر کین
وزمین گشته صفت کسار ! ...

با سنگ سرد باید کرد
عشق آدم کشی، دلی، در دست
دفع این گونه درد باید کرد
قالان، آفرین دقیقه عمر،
گشته آرایه چشم ما بنند
سویک جا نگذار صبحه
روحان را عذاب خواهد داد
مهمین است دوزخ در قسم
که به آتش جواب خواهد داد

× × ×

کجا آدم گری داشته
گر بود هیولا آدمی در دست
دفع اسرارش در دوزخ

نمونه اثر ۱۹۸۲

۱۹۸۲